

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۶۵ تا ۸۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

تبیین جرائم بدون بزه‌دیده (موضوع ماده ۱۰۴ ق.م.ا.)

لیلا غیاث آبادی فراهانی* | کارشناسی ارشد، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه میبد، یزد، ایران.

چکیده

جرائم قابل گذشت، جرائمی هستند که نقش بزه‌دیده در آن‌ها بسیار پررنگ است. اگر این جرائم مقید یا مشروط به بزه‌دیده داشتن باشند، وضعیت بزه‌دیده نداشتن چنین جرائمی سوال برانگیز می‌شود. ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جرائم قابل گذشت را ذکر می‌کند که مورد بررسی حقوقی و اصولی قرار گرفته است. همچنین به رویه‌ی قضایی در این باب اشاره شده تا بتوان به هدف قانونگذار از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» دست یافت و به جواب سوالات پیش آمده پاسخ گفت.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده- جرائم قابل گذشت- کلاهبرداری- سرقت.

مقدمه

ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات جرائم تعزیری مصوب ۱۳۹۹، ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را اصلاح و گستره‌ی جرائم قابل گذشت را وسعت بخشید. در ماده ۱۰۴ اصلاحی از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» استفاده شده است و زمانی که جرائم مشمول م ۱۰۴ در کنار عبارت فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد، ذهن انسان به بدون بزه‌دیده بودن جرائم سوق داده می‌شود.

حال آنکه ارتکاب بسیاری از جرائم از جمله خیانت در امانت، انتقال مال غیر، کلاهبرداری و امثالهم با حضور شخصی که بعد از ارتکاب جرم، زیان‌دیده محسوب می‌شود؛ امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

علی‌ای‌حال رسیدن به قصد و منظور اصلی قانونگذار، نیازمند بررسی و مطالعه‌ی ماده‌ی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات تعزیری، مصوب ۱۳۹۹) به لحاظ حقوقی و اصولی بوده و برای اثبات آن نیازمند ذکر آراء محاکم قضایی می‌باشد.

در ابتدا سوالاتی به ذهن متبادر می‌رسد که رسیدن به جواب آن‌ها، کمک زیادی می‌کند تا منظور اصلی قانونگذار از عبارت مبهم «در صورت داشتن بزه‌دیده» در ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا روشن شود.

۱. جرائم بدون بزه‌دیده، چه نوع جرائمی هستند؟

۲. آیا ارتکاب جرائم مذکور در ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا، بدون بزه‌دیده، قابل تصور هستند؟

۳. رویه‌ی قضایی در جرائم بدون بزه‌دیده، چگونه است؟

تبیین ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی

۱) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵؛

۲) انتقال مال غیر؛

۳) کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ این قانون بیش‌تر نباشد؛

۴) کلیه‌ی جرائم در حکم کلاهبرداری؛

۵) جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره‌ی آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود؛

۶) سرقت موضوع مواد ۶۵۶: (سرقت مقرون به یک شرط)، ۶۵۷: (اشاره به کیف‌زنی و جیب‌بری)، ۶۶۱: (سرقت تعزیری ساده) و ۶۶۵: (ربایشی که در واقع مشمول سرقت نباشد) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵، به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش‌از ۲۰۰ میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه‌ی موثر کیفری باشد؛

۷) شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور؛

۸) کلیه‌ی جرائم تعزیری درجه‌ی ۵ و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر ۱۸ سال؛

در صورت داشتن بزه‌دیده؛ مشمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ این قانون و ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

رای رسیدن به هدف اصلی قانونگذار از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» لازم است مفهوم بزه-دیده و انواع آن مورد بررسی قرار گیرد. بزه‌دیده یا مجنی‌علیه (victim) در قانون ایران تعریف نشده است و با تعریف از جرم است که هم به تعریف مجرم و هم به تعریف مجنی‌علیه می‌رسیم. دکترین سعی نموده‌اند که از بزه‌دیده تعریفی ارائه کنند. دکتر معتمد در مورد بزه‌دیده می‌گوید: «بزه‌دیده مفعول جرم است؛ کسی است که جرم علیه او انجام می‌شود و فدای فعل مجرمانه شده و متضرر و قربانی می‌گردد.» تعریف عبدالقادر عوده مبنی بر این است که «مجنی‌علیه کسی است که جرم علیه او واقع شده باشد، چه علیه مالش و چه علیه جاننش» (معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، ص ۱۱۷)

قانون کانادا بزه‌دیده را کسی دانسته که بر اثر اقدامات مجرمانه، زیان مادی و معنوی به او وارد شده باشد. در اعلامیه سازمان ملل متحد نیز، تعریفی از بزه‌دیده آمده است: «بزه‌دیده شخصی است که شخصاً یا در قالب گروه بر اثر فعل یا ترک فعلی که ممکن است جرم باشد یا هنوز جرم تلقی نشده باشد، متحمل صدمه‌های بدنی، روانی، معنوی و مادی شود یا این‌که به حقوق اساسی او آسیب و نقض جدی وارد شود.» در این تعریف که از بزه‌دیده آمده، چند مطلب نهفته است: اولاً قربانی ممکن است مشمول یک جرم باشد و ثانیاً ممکن است قربانی در اثر سوءاستفاده‌ی حاکمیت و قدرتمندان، متضرر شود که در این صورت فرد حقوقش پایمال شده و متضرر می‌گردد. در واقع عمل دولت هنوز در قانون جرم تلقی نشده ولی فرد از عمل دولت متضرر می‌شود. بنابراین طبق تعریف اعلامیه، بزه‌دیده هم به مفهوم قربانی مستقیم جرم و هم به مفهوم قربانی سوءاستفاده از قدرت است. طبق سند بین‌المللی حمایت از قربانیان خشونت «بزه‌دیده کسی است که به‌طور فردی یا گروهی متحمل خسارت و به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی و روانی، صدمه معمولی و خسارت مالی شده و همچنین وارد شدن لطمه بزرگ به حقوق-اساسی می‌باشد. (همان، ص ۱۱۸)

در بزه‌دیده‌شناسی، قربانی مستقیم جرم را مطالعه می‌کنیم. (قربان‌شناسی به مفهوم مضیق) یعنی بزه‌دیده کسی است که مستقیماً جرم علیه او انجام شده و در اثر ارتکاب جرم متضرر گردد. ما قربانی‌شدنی را مورد توجه قرار می‌دهیم که علتش ارتکاب جرم باشد. یعنی بزه‌دیده، فردی است که در اثر فعل یا ترک فعلی که در قانون عنوان مجرمانه دارد متضرر می‌گردد. (معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، ص ۱۱۹)

امروزه جرم‌شناسی نوین در برخورد با بزهکاری تنها به جرم و مجرم توجه ندارد، بلکه قربانی جرم را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. جرم، تخطی از قانون، تجاوز به حقوق افراد یا جامعه، عدم انجام تکالیف و ... تعریف شده است. بدیهی است هر نوع تخطی یا تجاوز، جرم تلقی نمی‌گردد، زیرا بسیاری عواملی که بر خلاف موازین اخلاقی، انسانی و شرعی هستند ولی حدت و شدت آنها به گونه‌ای است که موجب بروز عکس‌العمل جامعه و اعمال مجازات گردد. می‌توان گفت که مفاهیم

اولیه بزه‌دیده شناسی توسط شعرا و نویسندگان و داستان‌سرایان مورد استعمال قرار گرفته است. اما به عنوان یک مفهوم علمی از اواسط قرن بیستم مصطلح گردید. هانس فون هنتیک در کتابی تحت عنوان «بزهکاری و قربانی» برای اولین بار آن را به کار برده و شاید بتوان او را پایه‌گذار بزه‌دیده شناسی کیفری نام برد. از دیگر دانشمندانی که در این رابطه دست به مطالعه زدند باید از بنیامین مندلسون وکیل متخصص در حقوق کیفری نام برد که فعالیتش را با جداسازی بزه‌دیده از جرم آغاز کرد. وی شش گروه بزه‌دیدگان را توصیف کرده است که از بزه‌دیدگان بی‌گناه شروع و به بزه‌دیده‌ای که می‌تواند یک عنصر محرک عمل مجرمانه باشد، ختم می‌گردد. در سالهای دهه ۱۹۷۰ مطالعات فردی قربانیان جرائم خاص تحت‌الشعاع مطالعات کلی بزه‌دیده‌گی قرار گرفت، و بررسی‌های کلی بزه‌دیدگی نظریه خود را که ویژگی بارز مطالعات اولیه در بزه‌شناسی بود به نظریه کلان تبدیل کرد که هدف آن اساساً تعیین حجم بزه‌دیدگی، تشخیص جمعیت قربانی و نشان دادن خصوصیات آمارنگاری اجتماعی آن جمعیت بود. گرچه این نظریه‌ی کلان برای مطالعه‌ی تمایلات و الگوهای بزه‌دیدگی و توزیع اجتماعی و طبقاتی برخی از انواع بزه ضروری است در عین حال در مورد محیط‌های اجتماعی و فردی که در آن این جرائم به وقوع می‌پیوندند، اطلاعات خیلی اندکی در اختیار ما قرار می‌دهد و در درک قوه‌ی محرکه اجتماعی- روانی رفتار جنایی، روند گزینش بزه‌دیده، تعاملات میان بزه‌دیده، بزه‌کار و مساعدت بزه‌دیده به شکل‌گیری و تکوین بزه، دارای ارزش اندکی می‌باشد و اطلاعات به دست آمده از مطالعه‌ی مجمل قربانی شدن در درک ترس و وحشت مرتبط با بزه می‌تواند مفید بوده باشد. (نجفی‌توانا، جرم شناسی، صص ۲۸، ۲۹)

بزه‌دیده شناسی طی سالهای اخیر با تغییر و تحولات عمده‌ای روبه‌رو گردیده است. برمبنای همین تغییرات می‌توان به یکی از دوره‌های بزه‌دیده شناسی به نام بزه‌دیده شناسی نظری اشاره کرد که به بررسی ویژگی‌های قربانیان، روابط آن‌ها و تعامل بزه‌دیدگان با مرتکبان بزه می‌پردازد. اما این دیدگاه نظری مورد انتقادات فزاینده‌ای قرار گرفت. کلارک و لوئیس، بزه‌دیده شناسی را به عنوان هنری ترسیم کردند که مجنی‌علیه را سرزنش می‌کرد. (نجفی‌توانا، جرم شناسی، صص ۲۹)

کم‌کم کانون جدیدی از توجه به بزه‌دیده شناسی شکل گرفت که به قربانیان بزه کمک و معاضدت می‌کرد و حقوق آن‌ها را تایید می‌نمود و بر اساس همین نظریات و اقدامات بود که بزه‌دیده شناسی کاربردی به رسمیت شناخته شد و مورد توجه قرار گرفت. اهمیت بررسی خصوصیات قربانی جرم و نقش وی در پیمایش سکانس‌های بزه به حدی است که اگر مورد غفلت قرار گیرد، اساساً شناخت پدیده‌ی مجرمانه و اعمال تدابیر بازدارنده، پیشگیرانه و اصلاحی یا ممکن نیست و یا آن‌که چندان موثر نخواهد بود. به نظر می‌رسد در علوم جنایی نوین شرط لازم و حتمی توفیق در مهار پدیده‌ی مجرمانه، تمرکز حول سه محور جرم، مجرم و قربانی جرم باشد. (نجفی‌توانا، جرم شناسی، صص ۲۹)

مجازات در قالب‌های مختلف پاسخ به عمل خلاف متجاوز تلقی و هدف آن راضی کردن خاطر قربانی بزه و تنبیه عامل است. اساساً عمل مجرمانه دارای تبعاتی است که متوجه فرد یا جامعه شده و اصطلاحاً مجنی‌علیه یا زیان‌دیده، جرم‌زده یا بزه‌دیده اطلاق می‌شود. مجنی‌علیه در معادله-

ی جرم و مجرم، نقش اساسی ایفا نموده و مسائلی مانند کیفیت جبران خسارت، مجازات بزهکار، طرح و پیگیری شکایت و ... در ارتباط مستقیم با اوست. اما آن‌چه که در چهارچوب جرم‌شناسی قابل بررسی و امعان توجه است، چگونگی نقشی است که قربانی در وقوع جرم ایفاء می نماید. هر چند این بحث علمی تا به امروز مورد توجه قرار نگرفته و سمت‌گیری عمده جرم‌شناسان و متخصصین حقوق جزا متوجه بزه و بزهکاری و مجازات مترتب بر عمل ارتكابی بوده است ولی مطالعات انجام شده و تحقیقات به عمل آمده جای هیچ شک و شبهه‌ای را در این زمینه باقی نگذاشته که در ارتكاب بسیاری از جرایم، موجودیت قربانی از ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اثر فراوانی دارد. (نجفی‌توانا، جرم‌شناسی، ص ۳۰)

اندکی توجه به نوع و کیفیت جرایم مختلف این فرضیه را اثبات می نماید که هر بزه‌ای قربانی خاص خود را دارد و به عبارت دیگر شرایط مجنی‌علیه عمدتاً باعث جلب مجرم و وقوع جرم می گردد.

لذا در جرم‌شناسی مدرن مطالعه جرم، مجرم، علل و انگیزه‌های جرم برای کسب معرفت و دانش کافی به منظور مقابله با پدیده بزهکاری کافی نبوده و شناخت شخصیت و شرایط زیان‌دیده در این راستا ضروری است. به دیگر سخن تصویر جرم بدون توجه به قربانی جرم، و برخورد با پدیده بزهکاری بدون امعان نظر به «بزه‌دیده» نوعی مجرد نگری و ساده‌اندیشی است، زیرا وقوع جرم بستگی به وجود قربانی دارد و هدف بزه، شخص قربانی است. لذا حل مسئله‌ی بزهکاری بدون توجه به یکی از ارکان معادله غیر ممکن است. (نجفی‌توانا، جرم‌شناسی، ص ۳۱)

انواع جرم

انواع جرم را بسادگی می توان به چهار دسته گروه‌بندی کرد:

۱. جرمهای جانی

۲. جرمهای مالی

۳. جرمهای بدون قربانی

جرمهای دولتمندان و قدرتمندان. (ستوده، هدایت اله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روانشناسی جنایی ص ۱۲۹)

جرمهای بدون قربانی به فعالیتهایی گفته می شود که هیچ‌کس به طور مستقیم، شاید بجز، خود مجرم، کسی از آنها آزار نمی بیند؛ مانند: قماربازی، روسپیگری، ولگردی، استفاده از مواد مخدر و ... (ستوده، هدایت اله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روانشناسی جنایی ص ۱۳۱)

جرمهای بدون قربانی معمولاً با دشواری و همراه با رسوایی کنترل می شود؛ این امر به دو دلیل به وقوع می پیوندد؛

۱. جرمها هیچ قربانی ستمدیده‌ای ندارد که علیه متهم شکایت کنند یا مدرکی ارائه نمایند؛
۲. تبهکاران غالباً قانون را برخطا می دانند نه خودشان را.

این واقعیت که رفتارهایی مانند قماربازی یا استفاده از مواد مخدر و شرب خمر غیرقانونی است خود دو مسأله‌ی دیگر را بوجود می‌آورد:

۱. تعقیب و مجازات خطا کاران فوق، تلاش بسیار گسترده پلیس را ایجاب می‌کند و زندانها و دادگاه‌ها را انباشته می‌سازد؛

ماهیت غیرقانونی این گونه رفتارهای مجرمانه، به دنبال خود، فعالیتهای سازمان یافته جنایی را برمی‌انگیزد، چنانچه همواره ادامه حیات قاچاق با عرضه کالاها و خدماتی مانند قماربازی و مواد-مخدر به افراد متقاضی، همبستگی داشته است. (ستوده، هدایت اله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روانشناسی جنایی ص ۱۳۲)

انواع بزه‌دیده

امروزه دو نوع بزه‌دیده شناسی وجود دارد: (۱) بزه‌دیده شناسی اولیه یا بزه‌دیده شناسی عملی که شاخه‌ای از جرم شناسی علت شناسی است و در آن رابطه بزه‌دیده با بزهکار در آستانه ارتکاب جرم و به ویژه نقش و تأثیر بزه‌دیده در وقوع جرم بررسی می‌شود.

(۲) بزه‌دیده شناسی ثانویه یا بزه‌دیده شناسی حمایتی که هدف آن حمایت از بزه‌دیده است که در این دیدگاه، بزه‌دیده صرف نظر از نقشش در وقوع جرم، یک فرد خسارت دیده و مظلوم تلقی می‌شود که باید جبران خسارت شود. به دنبال این مسأله درسیاست جنایی ترمیمی، خسارت وارد به بزهکاران یا خسارت زدایی از آنها مطرح شده است (عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، ص ۹۲)

چه در بزه‌دیده شناسی علمی و چه در بزه‌دیده شناسی حمایتی، مباحث، مطالعات و پیشنهادها، مبتنی بر فرض «وجود» بزه‌دیده است، نه «فقدان» او؛ لکن باید توجه داشت که در بسیاری از قوانین جزایی، رفتارهایی جرم انگاری شده‌اند که در عالم واقع وجود عنصری به نام «بزه‌دیده» در آنها مورد تردید است. بدیهی است مباحث بزه‌دیده شناسی در مورد این جرایم واحد جهت و قالب متفاوتی خواهد بود. (رهامی، محسن و علی‌مراد حیدری، شناخت جرائم بدون بزه‌دیده، ص ۷۷)

بزه‌دیده شناسی قضایی (قانونی) شاخه‌ای از بزه‌دیده شناسی کاربردی است که به مطالعه‌ی علمی بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگان خاص و معین با هدف کشف حقیقت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری و عدالت قضایی، می‌پردازد. به عبارت دیگر، «بزه‌دیده‌شناسی قانونی، مطالعه‌ی قانونمند بزه‌دیدگان جرایم با هدف سرنخ‌دهی به مسائل مرتبط با پلیس علمی و تحقیق راجع به چگونگی رخ دادن جرم است.» (شیری، عباس، بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، ص ۲۱۸)

اهمیت بزه‌دیده‌شناسی قضایی زمانی که شناسایی مرتکبان دشوار است، بیشتر آشکار می‌شود. مثلاً در قتل‌های سریالی، در زمانی کوتاه، افراد متعدد مفقود می‌شوند و بعضاً اجساد آنان پیدا می‌شود و در مواردی هم اجساد یافت نمی‌شود. پلیس با خانواده‌های قربانیان متعدد روبه‌رو می‌شود و واقعاً پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آنان ندارد و حتی ممکن است با پرخاشگری به آنان پاسخ دهد. بزه‌دیده-شناسان قانونی می‌توانند با ورود به ماجرا و بررسی صحنه‌ی جرم، یعنی مکانی که برای آخرین بار،

مقتولان مشاهده شده‌اند و مکان‌هایی که اجساد آنان یافت شده است، به سرخ‌های مهمی دست پیدا کنند. به همین سبب بزه‌دیده‌شناسی قضایی با تحقیقات جنایی مرتبط می‌شود: «بزه‌دیده-شناسی قضایی، مطالعه‌ی علمی بزه‌دیدگان با هدف موضوعات تحقیقات (جنایی) است.» (شیری، عباس، بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، صص ۲۱۸ و ۲۱۹)

طبق تعریف یاد شده، بزه‌دیده‌شناسی قضایی بر تحقیقات مقدماتی، به‌ویژه تحقیقات جنایی متمرکز است. در نظام‌های حقوقی که تفکیک دقیق بین مراجع قضایی در تحقیقات مقدماتی و دادگاه‌ها وجود دارد، بزه‌دیده‌شناسی قضایی می‌تواند برای ضابطان دادگستری و مقامات دادرسی مفید و دارای کاربرد وسیعی باشد. «بزه‌دیده‌شناسی قانونی ... درصدد آن است تا با بررسی خصوصیات و ویژگی‌های بزه‌دیده، الگوی بزه‌دیدگی و تکرار این الگوها به نیم‌رخ جنایی بزه‌کار دست یافته و از این طریق به کمک تحقیقات جنایی پلیس و کارآگاهان بشتابد.» ولی در نظام حقوقی ایران که امکان تحقیقات مقدماتی و حتی تحقیقات جنایی توسط دادگاه‌ها نیز پیش‌بینی شده است، اهمیت بزه‌دیده‌شناسی قضایی مضاعف گردیده، می‌تواند توسط تمامی نهادهای عدالت کیفری اعم از پلیس، مقامات، دادرسی و قضات دادگاه‌ها به کار گرفته شود. (شیری، عباس، بزه-دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، صص ۲۱۹)

بزه‌دیده‌شناسان قانونی تلاش می‌کنند با ارائه‌ی معیارهای علمی، مانع از ارائه‌ی اطلاعات غلط و اشتباه به دادگاه شوند. به‌ویژه امروزه که تحت تأثیر رسانه‌های جمعی و با حساس کردن افکار عمومی، در بزه‌دیدگی‌های شدید، همانند تجاوز به عنف و قتل، موجی از احساسات عمومی در حمایت از بزه‌دیدگان شکل می‌گیرد، اهمیت یافته‌های بزه‌دیده‌شناسان قانونی، دو چندان می‌شود. (شیری، عباس، بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، صص ۲۲۰)

«تروی و پتریک معتقدند که یک بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بهترین حالت به‌عنوان یک آزمونگر علمی عینی و بدون غرض محسوب می‌شود. این آزمونگران حالت انتقادی و شکاک دارند و رسیدن به حقیقت را بر ملاحظات سیاسی یا هر ملاحظه‌ی دیگری مقدم می‌دارند. آن‌ها با این هدف، هیچ چیز را بدیهی تلقی نمی‌کنند و به دنبال تاییدیه‌هایی برای جملات و گفته‌های بزه‌دیده هستند ... بزه‌دیده‌شناس قانونی (قضایی) از اندیشیدن به این‌که بزه‌دیده باید بزه‌دیده می‌شد، ممنوع است.» (برجس و دیگران، صص ۵۸ و ۵۹)

بزه‌دیده‌شناسان قضایی می‌توانند با مطالعه‌ی اظهارات بزه‌دیده در یک پرونده و مقایسه‌ی بخش-های مختلف آن با یکدیگر، میزان تقصیر وی در بزه‌دیدگی‌اش را تبیین نمایند یا دقیقاً بفهمند خواسته‌ی او در فرآیند کیفری چیست؟ آیا به دنبال مجازات بزه‌کار است یا به دنبال گرفتن خسارت، هدفش انتقام خصوصی است یا التیام. سپس با گزارش خویش برای قاضی امکان صدور یک تصمیم مناسب‌تر به حال بزه‌دیده را فراهم نماید. بررسی اظهارات شهود، پلیس، کارشناسان رسمی دادگستری درباره‌ی بزه‌دیده نیز توسط بزه‌دیده‌شناسان قضایی، امکان تبیین دقیق‌تر و علمی بزه‌دیدگی را مشخص می‌نماید. (شیری، عباس، بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، صص ۲۲۰)

جرائم بدون بزه‌دیده

تبیین دقیق و شناخت مصادیق جرائم بدون بزه‌دیده مبتنی بر نوع تحلیل عناصر سه‌گانه «بزه-دیده»، «خسارت» و «رضایت» است. (محسن رهامی، علی حسین نجفی ابرندآبادی و علی مراد حیدری، جرایم بدون بزه‌دیده، صص ۲۹ تا ۴۳)

برای هر جرمی که بتوان آن را بدون بزه‌دیده به شمار آورد لازم است هر یک از عناصر سه‌گانه مذکور بررسی شوند.

با توجه به تعریف جرائم قابل گذشت در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که شروع، ادامه‌ی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات را منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی می‌کند؛ و همچنین تعریف ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می‌دارد: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.» جرائم مذکور در ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا با داشتن بزه‌دیده‌ی مستقیم یا معین، قابل گذشت محسوب می‌شوند. از آنجا که تا وقتی به کسی ضرری وارد نشود، شاکی نمی‌گردد، پس منظور از شاکی در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.م.ا و ماده ۱۲ ق.آ.د.ک همان بزه‌دیده است.

با توضیح فوق منظور از عنصر دوم یعنی خسارت نیز تا حدودی روشن شد که در ادامه باید توضیح داد خسارت انواع مختلفی دارد. خسارت مادی، جسمانی و معنوی از جمله‌ی آنهاست. بر همین اساس ممکن است به فرد بزه‌دیده خسارت مادی وارد شده باشد مثل جرائم کلاهبرداری، سرقت، انتقال مال غیر و ... یا خسارت معنوی مثل توهین، افتراء، تخریب اموال فرهنگی و ... برای اثبات ادعای فوق نظر یک از فقیهان ذکر می‌گردد که بیان داشته‌اند: «اتلاف، تسبیب یا اضرار، گاهی درباره هزینه‌هایی که بزه‌دیده برای درمان خویش، از دست می‌دهد، گفته می‌شود و چیزی بیش از ضامن بودن هزینه‌های درمان نیز با آن اثبات نمی‌شود. گاهی هم درباره‌ی ویژگی تندرستی او که در پی بزه بزه‌کار پایمال گردیده است، گفته می‌شود، که در این صورت ضامن بالاتری خواهیم داشت، بویژه اگر عیب و نقص حتی پس از پایان درمان در پیکر بزه‌دیده بر جای بماند.» (هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، بایسته‌های فقه جزا، صص ۱۴۴ و ۱۴۵) که ضامن مادی و جسمانی را ذکر می‌کنند.

به نظر عنصر رضایت دو قسمت باشد:

۱. عنصر رضایت در جرم کلاهبرداری که شخص بزه‌دیده به جرم ارتكابی واقف نیست که از محل بحث خارج است.

۲. رضایت در جرائم روابط نامشروع همراه با رضایت که می‌تواند محل بحث باشد. چون در این مورد بزه‌دیده از جرم اطلاع داشته و با رضایت کمک به ارتكاب جرم می‌نماید. لذا این مورد در زمره‌ی جرائم «توافقی» یا «بارضایت» قرار می‌گیرد. و به نظر برخی جرم بدون بزه‌دیده است. جرائم بدون بزه‌دیده تعاریف متفاوتی دارد و برای رسیدن به مراد قانونگذار از عبارت «درصورت داشتن بزه‌دیده» لازم است تعاریفی که در این زمینه وجود دارد؛ مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مطابق تعریف ارائه شده از سوی صاحب نظران علوم جنایی: «جرائم بدون بزه‌دیده جرایمی هستند که هیچ بزه‌دیده‌ی معینی ندارند. آنها از اعمالی تشکیل شده‌اند که به خاطر زیر پا نهادن قواعد اخلاقی غیرقانونی شمرده شده‌اند» (شور، ادوین.م، جنایات بدون قربانی، ص ۲۸)
 ۲. به موجب تعریف آقای گسن «جنایات بدون قربانی، اعمالی غیراخلاقی هستند که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای اشخاص ثالث نیستند» (گسن.ر، روابط ان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ص ۱۹)
 ۳. برابر یک تعریف دیگر «جرائم بدون بزه‌دیده اعمالی هستند که به کسی آسیبی نمی رسانند، بلکه به خاطر وارد کردن اخلاق در قانون از طرف دولت جرم انگاری شده اند» (رهامی، محسن و علی‌مراد حیدری، شناخت جرائم بدون بزه‌دیده، ص ۷۸)
 ۴. تعریف دیگری حاکی است: «جرم بدون بزه‌دیده یا به عبارت دیگر جرم توأم با رضایت، هرگونه عملی است که صدمه مادی و فیزیکی به شخص یا دارایی وارد نمی کند یا عملی است که توأم با رضایت است و درحال حاضر برمبنای قوانین موضوعه غیرقانونی نیست» (همان)
 ۵. به موجب یک تعریف دیگر: «جرم توأم با رضایت یا جرم فاقد بزه‌دیده، جرمی است که تمام طرفهای دخیل، در مورد وقوع آن عمل رضایت دارند و هیچ شخصی ثالثی از نتایج مستقیم آن متضرر نمی شود. (همان)
 ۶. یکی از نویسندگان فرهنگ حقوقی لاتین، جرایم مذکور را این گونه تعریف کرده که به نظر می رسد تعریف مناسبتری باشد: «جرائم بدون بزه‌دیده معمولاً بزه‌دیده‌ی مستقیم ندارند یا با رضایت طرفین صورت می‌گیرند، مانند تملک مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع»
(<https://cudras.ir>)
- دقت در تعاریف ارائه شده نشان می دهد که تعدادی واژه‌ی اصلی موثر در تعریف و به عبارت دیگر تعدادی واژه کلیدی وجود دارند که اساس این تعارف را تشکیل می دهند، به طوری که برای درک درست این جرائم ابتدا باید درک صحیحی از این عناصر اساسی داشته باشیم.
- جرم بدون بزه‌دیده وجود ندارد، زیرا هر جرمی، خواه ناخواه بزه‌دیده دارد. بزه‌دیده‌ی مستقیم، بزه‌دیده‌ی مرتبط، بزه‌دیده‌ی غیرمستقیم و یا حتی خود بزهکار، بزه‌دیدگان متفاوت جرائم مختلف هستند. بنابراین جرم فاقد بزه‌دیده وجود ندارد. حتی کسانی که این اصطلاح را به کار می‌برند، منکر این مطلب نیستند، بلکه هنگامی که این اصطلاح را استعمال می‌کنند، مراد آنها جرمی است که بزه‌دیده‌ی مستقیم ندارد. (رهامی، محسن و علی‌مراد حیدری، شناخت جرائم بدون بزه‌دیده، ص ۹۳)
- در بسیاری از جرمی که تحت عنوان جرائم فاقد بزه‌دیده شناخته می‌شوند، علاوه بر این که طرفهای درگیر در جرم خصوصاً اطفال، مجانین و معتادان، به معنای واقعی و صحیح رضایت ندارند. بلکه حتی در صورت وجود رضایت هم نباید رضایت را معتبر دانست. چون تراضی افراد برای نقض قواعد آمره، فاقد اعتبار است. در مورد «جرائم توأم با رضایت» اطلاق عنوان «جرائم

فاقد بزه‌دیده» نوعی مغالطه است و اصطلاح صحیح‌تر در این مورد، «بزه‌کاری متقابل» است؛ چراکه طرف‌های جرم متقابلاً هر کدام بزه‌کار محسوب می‌شوند. بنابراین جرائم توأم با رضایت «جرائم بدون بزه‌دیده» نیست و عنوان «جرائم فاقد بزه‌دیده» اصولاً صحیح نیست تا تعریفی از آن ارائه شود. به هر حال در کنار مفهوم «جرم بدون بزه‌دیده» یا به عبارت صحیح‌تر «جرم بدون بزه‌دیده‌ی مستقیم» مفهوم دیگری وجود دارد که «قربانی بدون جرم» نامیده می‌شود و آن در مواردی است که کسی در نتیجه‌ی علل طبیعی همانند سیل، زلزله، طوفان و ... قربانی می‌شود یا این‌که کسی در نتیجه‌ی اعمال انسانی قربانی می‌گردد. لکن این اعمال دارای مجوز قانونی است و وصف مجرمانه ندارد. نمونه‌های بارز این اعمال، دفاع مشروع، حکم قانونی، ضرورت و اضطرار است. در این‌گونه موارد ممکن است کسی در نتیجه‌ی عمل انسانی قربانی شود. درحالی‌که آن عمل دارای مجوز قانونی است و جرم محسوب نمی‌شود. (همان، ص ۹۴)

همچنین مفهوم دیگری با عنوان «قربانی در نتیجه‌ی عمل شخص غیر مسئول» وجود دارد که در مواردی که قربانی وجود دارد و رفتار ناقض متن قانون جزایی هم صورت گرفته، اما فاعل شخص غیر مسئول است. مانند مواردی که صدمه و خسارت جسمانی، مادی و یا معنوی از جانب افرادی صورت می‌گیرد که غالباً مسئولیت کیفری ندارند. مثلاً شخص دیوانه‌ای با زدن سنگ بر سر شخصی موجب قتل یا جراحت او را فراهم می‌آورد و یا کودک غیرممیزی مال شخصی را می‌رباید و یا این‌که شخصی در خواب به فرد دیگری فحش و ناسزا گفته و به او اهانت می‌کند که در همه‌ی این موارد قربانی وجود دارد ولی طرف مقابل او از لحاظ قانونی مسئولیت کیفری در ارتکاب جرم ندارد. (همان)

با این وجود می‌توان گفت مفهوم «جرم بدون بزه‌دیده‌ی مستقیم» صحیح به نظر می‌رسد ولی نمی‌توان از مفهوم «قربانی در نتیجه‌ی عمل شخص غیرمسئول» برای جرائم فاقد بزه‌دیده استفاده کرد؛ چراکه موضوع بحث جرائم ارتكابی است و زمانی جرمی اتفاق نیفتاده و یا اگر هم اتفاق بیفتند، جرم تلقی نمی‌شود، سالبه به انتفاع موضوع بوده و خارج از موضوع مورد بحث است. البته لازم به ذکر است که تعاریف و تحلیل‌های فوق شامل تمام جرائم مذکور در م ۱۰۴ ق.م.ا می‌گردد چه جرائم بزرگسالان و چه جرائم درجه ۵ تا ۸ افراد زیر ۱۸ سال.

ضرورت بررسی جرایم بدون بزه‌دیده

ضرورت مطالعه و بررسی جرایم فاقد بزه‌دیده از چند نظر قابل تبیین است: الف) تازگی بحث: خاستگاه مبحث جرایم بدون بزه‌دیده، رشته جدیدی از جرم‌شناسی به نام «بزه‌دیده‌شناسی» است. محققان این رشته جدید به بررسی نقش و جایگاه بزه‌دیده یا قربانی در فرآیند تکوین جرم (بزه‌دیده‌شناسی علمی) و همچنین برآورد خسارت‌های مادی و معنوی و یافتن شیوه‌های جبران این خسارت می‌پردازند. آنان در خلال مباحث علمی خود فهمیده‌اند جرایمی وجود دارند که در آنها یا اصولاً بزه‌دیده‌ای نیست یا اگر هست بزه‌دیده‌ی عادی محسوب نمی‌شود، بلکه

بزه‌دیده‌ای به‌شمار می‌آید که خود خواهان بزه بوده و آنچه مسلم است این که بحث از جرائم بدون بزه‌دیده، جزئی از مباحث کلی‌تر راجع به بزه‌دیده‌شناسی است. از آنجا که خود علم بزه‌دیده‌شناسی از قدمت و سابقه‌ی چندانی برخوردار نیست، تبعاً مباحث مربوط به جرائم بدون بزه‌دیده هم غنا و قدمت درخور توجهی ندارد و هنوز نیازمند بحث و مطالعات عمیق‌تر است. این مطلب خصوصاً در حقوق کیفری ایران اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند؛ چون در کشور ما صرف‌نظر از این - که بررسی‌ها و مطالعات کمی و کیفی شایان ذکر در این زمینه صورت نگرفته، کثرت نسبی تعداد جرائمی که به نظر بسیاری از حقوق‌دانان امروزی فاقد «بزه‌دیده» تلقی می‌شود و لزوم شناسایی و تجزیه و تحلیل و نیز توجیه عملی حقوقی جرائم مذکور این اهمیت را دوچندان کرده است. مراد از این جرائم در حقوق ایران که مبتنی بر فقه اسلامی است، جرائم مربوط به اعمال منافعی عفت نظیر زنا، لواط و مساحقه است که امروزه تحت عنوان «جرائم رضایت‌آمیز» یا «جرائم توافقی» شناخته می‌شوند. (همان)

ب) مبهم بودن موضوع: اختلاف نظر کم نظیری در مورد تعریف جرائم بدون بزه‌دیده و به تبع آن مصادیق این دسته از جرائم وجود دارد که این موضوع می‌تواند ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها در مورد مبنای جرم‌انگاری اعمال و رفتارهای انسانی باشد که تشکیل‌دهنده‌ی مباحث مربوط به «فلسفه‌ی حقوق کیفری» است. (همان)

تبیین اصولی ماده ۱۰۴ ق.م.ا

قانونگذار برای جرائم ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا، عبارت (در صورت داشتن بزه‌دیده) را ذکر می‌کند که نسبت به بعضی از جرائم نامبرده، مبهم به نظر می‌رسد. یکی از بهترین راه‌ها برای رفع ابهام مواد و رسیدن به مراد اصلی قانونگذار، تمسک به مباحث اصولی است. لذا به بررسی عام یا مطلق بودن م ۱۰۴ ق.م.ا و به دنبال آن تبیین مفهوم مخالف آن برای رسیدن به منظور اصلی قانون‌گذار می‌پردازیم.

عام یا مطلق

دلالت عام بر تمام افراد و مصادیق وضعی است؛ یعنی بنابر تصریح واضع است که ما می‌فهمیم این کلمه عام است، چون گوینده از کلماتی مثل (هر، همه، کل، جمیع، تمام، کل و ...) یا اسم‌های جمع به کار می‌برد؛ لذا می‌گوییم که دلالت عام بر عموم، قطعی و یقینی است. (نامداری، مظاهر، اصول فقه تطبیقی، ص ۳۱۰)

دلالت مطلق بر تمام افراد و مصادیق جنس خود عقلی است؛ یعنی متکلم تصریح به تمام مصادیق خود نمی‌کند؛ اما از قرائن و اوضاع‌واحوال برمی‌آید که بر تمام افراد خود دلالت دارد. به عبارتی، دلالت مطلق بر اطلاق، ظنی است. (همان)

موارد مذکور در ماده ۱۰۴، عام یا خاص هستند؛ چراکه از لفظ «کلیه‌ی» در عبارات (کلیه‌ی جرائم در حکم کلاهبرداری، کلیه‌ی جرائم تعزیری درجه‌ی ۵ و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر ۱۸

سال)، لفظ «تمام» در عبارت (شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور) و یا لفظ «جرائم» در عبارت (جرائمی که مجازات کلاهبرداری ...) استفاده شده که نشان‌دهنده‌ی عام بودن آن‌هاست و یا با عباراتی، عام تبدیل به خاص شده است. مثلاً تعیین حد نصاب برای جرم کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری.

علی‌ای‌حال عام یا مطلق بودن عبارات محل بحث نیست. مهم عام یا مطلق بودن عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» می‌باشد.

به نظر می‌رسد عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» مطلق باشد. چرا که مقدمات حکمت که از نشانه‌های اطلاق است نسبت به عبارت مذکور جاری و ساری می‌باشد.

مقدمات حکمت عبارت‌اند از:

الف) امکان اطلاق و تقیید: بزه‌دیده می‌توانست مقید به مستقیم، غیر مستقیم، معین و ... باشد.

ب) در مقام بیان بودن متکلم: قانونگذار می‌توانست منظور خود را به صورت روشن و واضح بیان کند.

ج) نبودن قرینه‌ی تقیید: قرینه‌ی خاصی که نشان‌دهنده‌ی مقید بودن عبارت مذکور باشد در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. نیامده اما محل تأمل است؛ چرا که لفظ «بزه‌دیده» مصادیق مختلفی دارد و با وجود قابل گذشت دانستن جرائم مذکور در ماده ۱۰۴، آن‌چه که به ذهن متبادر می‌گردد بزه-دیده‌ی معین یا مستقیم از جرم است.

پس می‌توان از این بحث نتیجه گرفت عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» مطلق است ولی قرینه‌ی «مستقیم یا معین» را در لفافه دارد.

شرط یا وصف

بررسی مفهوم مخالف ماده‌ی ۱۰۴ یکی از راه‌های رسیدن به نتیجه‌ی روشن و قابل قبول است. باید دید عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» در مفهوم مخالف شرط است یا وصف.

مفهوم شرط

متن ماده ۱۰۴ ق.م.ا: جرائم مذکور در صورت داشتن بزه‌دیده (اگر بزه‌دیده داشته باشند) قابل گذشت هستند.

مفهوم مخالف ماده ۱۰۴ ق.م.ا: جرائم مذکور در صورت نداشتن بزه‌دیده (اگر بزه‌دیده نداشته باشند) قابل گذشت نیستند.

برای اینکه جملات شرطی مفهوم داشته باشند، وجود دو شرط الزامی است:

الف: جمله‌ی شرطیه برای بیان موضوع نباشد و این در جایی است که حکم در تالی منوط به شرط باشد، به گونه‌ای که فرض حکم بدون شرط، ممکن باشد. (مظفر، محمدرضا، اصول فقه، ص ۱۹۶)

به عبارتی شرط علت انحصاری برای تحقق مشروط باشد. یعنی علت دیگری در کار نباشد. (نامداری، مظاهر، اصول فقه تطبیقی، ص ۱۴۹)

در مفهوم مخالف ماده ۱۰۴، شرط بزه‌دیده نداشتن، علت انحصاری مشروط یعنی غیرقابل گذشت بودن است.

ب) سالبه به انتفاع موضوع نباشد: یعنی طوری نباشد که اگر شرط از بین رفت، موضوع هم از بین برود. چون اگر با از بین رفتن شرط، موضوع هم از بین برود، دیگر این جمله‌ی شرطیه، مفهوم مخالف ندارد. پس زمانی جمله‌ی شرطیه مفهوم مخالف دارد که با از بین رفتن شرط، حکم از بین برود نه این که موضوع از بین برود. (همان، ص ۱۵۰)

جمله‌ی شرطیه برای بیان موضوع حکم باشد، یعنی مقدم، همان خود موضوع حکم باشد و این در جایی است که حکم در تالی، منوط به شرط در مقدم است. به گونه‌ای که فرض حکم بدون آن شرط، معقول نیست. (مظفر، محمدرضا، اصول فقه، ص ۱۹۵)

از آنجایی که جرائم، هیچ‌گاه بدون بزه‌دیده نیستند، اگر شرط داشتن بزه‌دیده از بین برود، موضوع هم از بین می‌رود. به عنوان مثال نمی‌توان گفت جرم کلاهبرداری که با فریب شخص حقیقی نمود پیدا می‌کند، اگر بزه‌دیده نداشته باشد، پس غیرقابل گذشت است. زیرا کلاهبرداری بدون فریب طرف مقابل و نبود رضایت در دادن مال، کلاهبرداری نیست. پس این حکم، سالبه به انتفاع موضوع است.

در نتیجه مفهوم شرط در ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا حجیت ندارد.

مفهوم وصف:

متن ماده ۱۰۴ ق.م.ا: جرائم مذکور (موصوف) در صورت داشتن بزه‌دیده (صفت) قابل گذشت هستند.

مفهوم مخالف ماده ۱۰۴ ق.م.ا: جرائم مذکور (موصوف) در صورت نداشتن بزه‌دیده (صفت) قابل گذشت نیستند.

هرگاه در جمله وصفی بیاید که موصوف همواره این وصف را دارد و اگر این وصف گفته می‌شود به خاطر این است که موصوف همواره دارای این وصف است، این وصف گفته شده و گوینده از گفتن این صفت، قصد و منظور ندارد. در این مورد به آن وصف غالبی گفته می‌شود و جمله‌ی وصفی مفهوم ندارد و نمی‌توان به مفهوم مخالف آن استناد کرد. (مظاهر، نامداری، اصول فقه تطبیقی، ص ۱۶۲)

اگر مفهوم مخالف ماده ۱۰۴ را مفهوم وصف بدانیم؛ از آنجاییکه جرائم نامبرده در ماده ۱۰۴ ق.م.ا همواره دارای بزه‌دیده هستند و نمی‌توان این جرائم را بدون بزه‌دیده فرض کرد، مفهوم وصف در اینجا، وصف غالبی می‌باشد و حجیت ندارد.

به عنوان مثال، یکی از جرائم مذکور در ماده ۱۰۴، انتقال مال غیر می‌باشد که در صورت داشتن بزه‌دیده، قابل گذشت دانسته شده است. این سوال به ذهن می‌آید که مگر منظور از انتقال مال غیر، انتقال مال دیگری نیست؟ منظور از غیر همان بزه‌دیده نیست که صراحتاً نامش در عنوان جرم آمده است؟

داشتن بزه‌دیده برای جرم انتقال مال غیر آن‌چنان بدیهی است که به نظر، منظور قانونگذار بزه‌دیده‌ی مستقیم یا معین باشد؛ و چه بهتر بود که به صورت شفاف و روشن بیان می‌شد. البته باید گفت چون شک در مراد متکلم، موضوع اصول لفظیه است، بنابراین لازم است دانسته شود که یکی از اقسام شک در اعتبار مشکوک (یعنی متعلق شک) شک در معنی و مفهوم لفظ است.

برای تشخیص معنی و مفهوم لفظ در علم اصول فقه راههایی ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها تبادل، صحت حمل و اطراد است. (ولائی، عیسی، اصول فقه، ص ۱۵۲)

نسبت به لفظ بزه‌دیده آن‌چه که به ذهن متبادر می‌شود بزه‌دیده‌ی معین و مستقیم از جرم است. همچنین اطراد یا همان کثرت استعمال هم موضوع فوق را تأیید می‌نماید.

آراء محاکم قضایی

جرائم موضوع ماده ۱۰۴ ق.م.ا بسیار شایع و مبتلابه می‌باشند و قضات محترم محاکم قضایی، آراء فراوانی در مورد جرائم مذکور صادر کرده‌اند که به عنوان نمونه به بررسی چند مورد از این آراء می‌پردازیم.

کلاهبرداری

تاریخ صدور رأی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان اراک

شاکی: دادستان، منیژه ... فرزند حسن.

متهم: صابر ... فرزند نادر.

رأی دادگاه:

(در کیفرخواست دایر بر کلاهبرداری رایانه‌ای به میزان یک میلیون تومان که وفق ماده ۲۸۰ ق.آ.د.ک عنوان اتهامی به تحصیل مال به صورت غیر مجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی از طریق دسترسی و به دست آوردن اطلاعات و رمز دوم حساب شاکی، موضوع شکایت منیژه ... با توجه به محتویات پرونده، گزارش مرجع انتظامی، تحقیقات انجام شده، اظهارات شاکی، گزارش صورت‌حساب مربوط به بانک رفاه، تراکنش‌های مربوط به شاکیه، گزارش پلیس فتا، سوابق مشابه و این‌که متهم با وصف ابلاغ در هیچ‌یک از جلسات دادرسی و دادگاه حاضر نشده است و دلیلی بر رد اتهام انتسابی ابراز نکرده است؛ دلایل ذکر شده در کیفرخواست و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده، بزهکاری و مجرمیت مشارالیه و بزه انتسابی به شرح مذکور، محرز و مسلم است و دادگاه با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی و مواد ۸ و ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۱۱، ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۴۱ قانون تعزیرات و مجازات-های بازدارنده (ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای) و با توجه به تحقق شرایط بند الف، ب، پ، ت ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، به لحاظ انگیزه‌ی مرتکب حین ارتکاب جرم، شیوه‌ی ارتکاب جرم،

گسترش نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق و وضعیت فردی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی، حکم به محکومیت مرتکب علاوه بر رد اصل مال و در صورت فقد اصل مال، مثل یا قیمتش به صاحبش و به تحمل یک سال حبس محکوم می‌گردد.)

با توجه به قسمتی از متن ماده ۱۰۴ ق.م.ا که بیان می‌دارد: (... کلیه‌ی جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره‌ی آنها مقرر شده یا طبق قانون، کلاهبرداری محسوب می‌شود...) کلاهبرداری رایانه‌ای از مصادیق ماده‌ی مذکور به شمار آمده و در زمره‌ی جرائم قابل گذشت است. وقتی قابل گذشت بودن این جرم در ماده ۱۰۴ ق.م.ا مشروط به داشتن بزه‌دیده می‌شود؛ این سوال به ذهن می‌آید مگر جرم کلاهبرداری بدون بزه‌دیده هم قابل تصور است؟!؟

سه شرط برای تحقق جرم کلاهبرداری لازم است که عبارت‌اند از:

۱. متقلبانه بودن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای فریب اغفال دیگری استفاده می‌کند؛

۲. اغفال شدن و فریب خوردن قربانی، که مستلزم عدم آگاهی وی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده‌ی مجرم می‌باشد؛

۳. تعلق مال برده شده به دیگری. (میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، ص ۶۲) با وجود این شروط که همواره از اغفال قربانی و مال دیگری سخن می‌گوید، نمی‌توان بدون بزه‌دیده بودن کلاهبرداری را فرض کرد.

رای مذکور در مورد کلاهبرداری رایانه‌ای می‌باشد که در مورد آن ماده‌ی ۷۴۱ قانون تعزیرات بیان داشته است: (هرکس به طور غیر مجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی ... وجه یا مال ... برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس ... یا جزای نقدی ... یا هردو مجازات محکوم خواهد شد.)

پس باید یکی از افعال مثبت وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها و یا مختل کردن سامانه، به عنوان رفتار غیر مجاز در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود و منتج به تحصیل «وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی» برای شخص مرتکب یا دیگری شود. بدین ترتیب کلاهبرداری رایانه‌ای نیز مثل کلاهبرداری سنتی، یک جرم مقید می‌باشد. (همان، ص ۱۵۴)

وقتی ماده‌ی مذکور صحبت از صاحب مال می‌کند، به نظر می‌رسد منظور ماده‌ی ۱۰۴ از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» بزه‌دیده‌ی مستقیم و بی واسطه باشد. همچنین وقتی کلاهبرداری، چه سنتی و چه رایانه‌ای، مقید به نتیجه باشد، یعنی بی‌تردید بزه‌دیده‌ای وجود دارد که مال، منفعت و یا امتیاز وی خدشه دار شده است؛ همانطور که در رأی کلاهبرداری مذکور، خانم منیژه ... فرزند نادر بزه‌دیده‌ی مستقیم است که می‌تواند گذشت کند.

یکی از راه‌های رسیدن به منظور اصلی قانونگذار تفسیر ماده‌ی مبهم با کمک مواد مرتبط دیگر است که ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا نیز مستثنی نیست.

همانطور که در رای دادگاه شعبه ۱۰۶ آمده است ماده‌ی ۸ و ۱۱ قانون آیین داری کیفری از جمله مواد نشان‌دهنده‌ی قصد قانونگذار در ماده ۱۰۴ ق.م.ا می‌باشد.

ماده‌ی ۸ ق.آ.د.ک به دو جنبه‌ی عمومی و خصوصی بودن بعضی از جرائم اشاره می‌کند که بند ب ماده‌ی مذکور بیان می‌دارد: (حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین) در بند فوق، قانونگذار صراحتاً از شخص یا اشخاص معین نام می‌برد که نشان می‌دهد جرائم موضوع ماده ۱۰۴ ق.م.ا در صورت داشتن بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان معین، قابل گذشت هستند. همچنین قسمت دوم ماده‌ی ۱۱ ق.آ.د.ک ذکر می‌کند: (... اقامه‌ی دعوا و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.) در قسمت یاد شده قانونگذار شرط تعقیب متهم از حیث خصوصی را درخواست شاکی یا مدعی خصوصی قرار داده که راهی برای رسیدن به منظور ماده‌ی ۱۰۴ است. همچنین نظر دکتر خالقی در مورد حیثیت خصوصی مذکور در ماده‌ی ۱۱ ق.آ.د.ک، حقوق شخص یا اشخاص متضرر از جرم است. (خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ص ۳۸)

سرقت

تاریخ صدور رأی: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان اراک.

شاکی: دادستان، سینا ... فرزند رضا.

متهمین: خدارحم ... فرزند اله‌رحم / حامد ... فرزند خدارحم

رأی دادگاه:

(حسب کیفرخواست مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ آقای خدارحم ... متولد ۱۳۳۸، فاقد سابقه‌ی محکومیت کیفری موثر، بازداشت و به دلیل عدم معرفی کفیل، متهم است به مباشرت در سرقت ۱۰ عدد میلگرد یک متری، یک عدد صفحه ستون به همراه پایه‌های آن، یک شاخه تیر آهن دو متری، دو عدد پنجره به ابعاد ۱/۵ در ۱ متر با وصف استرداد یکی از آن‌ها، دو کلاف سیم برق به متره ۲۰۰ متر. آقای حامد ... فاقد سابقه‌ی محکومیت کیفری، آزاد با معرفی کفیل، متهم است به مباشرت در سرقت ۲ بشکه ۲۰۰ لیتری آب با وصف استرداد، موضوع شکایت آقای سینا دادگاه با عنایت به کیفرخواست صادره به شرح شکایت شاکی خصوصی، گزارش مرجع انتظامی، اقرار مقرون به واقع متهم ردیف اول در جلسه دادگاه، صورتجلسه‌ی اولیه افسر گشت کلانتری، کشف تعدادی از اموال مسروقه در تصرف متهمین و استرداد آن‌ها، بزه موصوف را محرز و منتسب می‌داند.

لذا مستنداً به مواد ۲- ۱۰- ۱۲- ۱۴- ۱۹- ۱۶۰- ۱۶۴- ۱۷۱- ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۶۵۶- ۶۶۷- از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات مصوب ۱۳۹۹، ضمن حکم به رد مال از اموال مسروقه‌ای که هنوز مسترد نگردیده است و در صورت فقدان حکم به رد مثل یا قیمت آن‌ها، متهمین را به تحمل سه ماه حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید. مستنداً به تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات و مواد ۶۵- ۸۳- ۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تصویب هیأت وزیران در خصوص میزان مبالغ

مجازات نقدی مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس فوق‌الذکر را به پرداخت ۱۵ میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌کند. متذکر می‌گردد در صورت عدم پرداخت جزای نقدی، مجازات اصلی اجرا خواهد شد. رأی صادره در خصوص متهم ردیف اول حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدید نظر استان مرکزی می‌باشد و در خصوص متهم دیگر غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف مهلت ۲۰ روز قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر است.

در رأی مذکور دادستان از حیث جنبه‌ی عمومی جرم و آقای سینا ... از حیث جنبه‌ی خصوصی جرم شاکی هستند. فرد یا افرادی شکایت خود را به محکمه می‌برند که از جرم ارتكابی، زیان دیده باشند.

علی‌ای‌حال عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی تأکید موکد است؛ چراکه جرم سرقت گفته شده یکی از مصادیق ماده‌ی ۶۵۶ قانون مجازات بوده و دارای بزه-دیده می‌باشد و نمی‌توان بدون بزه‌دیده بودن جرم مذکور را تصور کرد.

همچنین ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی سرقت را «بودن مال متعلق به غیر» تعریف می‌کند که به روشنی بیانگر وجود بزه‌دیده در جرم سرقت است. چراکه مال متعلق به دیگری ر بوده می‌شود؛ یعنی خسارت مالی یا مادی به شخص بزه‌دیده وارد شده است.

خیانت در امانت

تاریخ صدور رأی: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان اراک.

شاکی: حمیدرضا ... فرزند محمدرحیم

متهم: محمد ... فرزند امیدعلی

رأی دادگاه:

(حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب اراک به شماره‌ی ۱۳۹۶/۰۲/۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ آقای محمد ... فرزند امیدعلی متولد ۱۳۹۶ متهم است به خیانت در امانت نسبت به (یک دستگاه بازی پی اس فور (PS4) سونی به همراه دو عدد دسته‌ی مربوطه) جرم تعزیری دارای مجازات قانونی درجه‌ی ۶، موضوع شکایت آقای حمیدرضا ... فرزند محمدرحیم. دادگاه با عنایت به جامع اوراق و محتویات پرونده و دلائل و قرائن از جمله ۱. اظهارات شاکی، مندرجات و مفاد رسید عادی مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۴ که دلالت به سپرده شدن دستگاه فوق‌الذکر به متهم، جهت استفاده و سپس استرداد آن دارد. ۲. عدم اقدام متهم جهت استرداد این دستگاه که دلالت بر تصاحب آن دارد. ۳. عدم حضور متهم در دادسرا و دادگاه جهت دفاع از اتهام انتسابی. لذا با عنایت به مراتب موصوف، بزه انتسابی محرز و مسلم است و مستند به مواد ۲-۱۴-۱۹-۲۱۱ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۷۴ قانون تعزیرات، تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) و اعمال تخفیف موضوع بند ب ماده ۳۷ و بند

ث ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) «به دلیل سن متهم و فقدان سابقه‌ی کیفری موثر» متهم به پرداخت مبلغ ۸۰ میلیون ریال جزای نقدی درجه‌ی ۶ در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید. رأی صادره غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی به متهم قابل واخواهی در این شعبه و ۲۰ روز پس از آن قابل اعتراض در محاکم تجدید نظر استان مرکزی می‌باشد.

مورد اول ماده ۱۰۴ ق.م.ا (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵») مشمول عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» نیز می‌گردد؛ چراکه بین جرائم از حرف ربط «و او» استفاده شده که نشان می‌دهد قصد قانونگذار، جمع جرائم و سرایت دادن عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» به تمام جرائم است.

یکی از مصادیق جرائم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، جرم خیانت در امانت، موضوع ماده ۶۷۶ است.

باید ذکر کرد از جمله شروط تحقق جرم خیانت در امانت، سپردن مال امانی از طرف مالک یا وکیل یا نماینده‌ی قانونی او به یکی از طرق قانونی به امین و تعلق مال به غیر است. وقتی که امین نسبت به مال امانی، خیانت می‌کند، بالتبع به مالک مال زیان رسانده است. در نتیجه زیان دیده از جرم همان بزه‌دیده تلقی می‌گردد. همانطور که در رأی مذکور، دستگاه بازی ps4 متعلق به حمیدرضا ... فرزند محمدرحیم است که بزه‌دیده قلمداد می‌شود.

با این وجود چطور می‌توان جرم خیانت در امانت را بدون بزه‌دیده تصور کرد، تا بتوان گفت اگر بزه‌دیده داشت، قابل گذشت است ولی اگر بزه‌دیده نداشت، قابل گذشت نیست یا غیر قابل گذشت است؟؟؟؟؟

به نظر به راحتی می‌توان نتیجه گرفت منظور قانونگذار در ماده‌ی ۱۰۴، زیاده‌ی مستقیم از جرم است که در جرم خیانت در امانت مالک مال همان زیان‌دیده‌ی مستقیم از جرم می‌باشد.

توهین به اشخاص عادی / ممانعت از حق / ضرب بلاثر

تاریخ صدور رأی: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

شعبه ۱۰۳ کیفری دو دادگستری شهرستان اراک.

شاکلی: ۱. مجتمع شماره یک دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اراک.

۲. خانم مریم ... فرزند محمد اسماعیل.

متهم: آقای سید حسن ... فرزند سید حسین.

رأی دادگاه:

(حسب کیفرخواست‌های شماره ۱۳۹۵۴۰۳۸۶۱۳۹۰۴۳۸۶۱۳۹۰۹۹۱۰۴۳۵۱۸ و ۱۴۰۰۲۶۴۳۰۰۰۰۱۵۳۵۱۸ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اراک، سید حسن ... فرزند سید حسین، بدون سابقه‌ی محکومیت کیفری موثر، آزاد با قرار تأمین التزام با تعیین وجه التزام؛ متهم است به ضرب بلا اثر و توهین به اشخاص عادی موضوع شکایت خانم مریم ... و نیز وفق قرار عدم صلاحیت صادره و

شکایت شاکیه، متهم به ممانعت از حق می‌باشد. در خصوص عنوان ممانعت از حق با توجه به این‌که وفق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات کیفری، بزه موصوف قابل گذشت می‌باشد. به جهت رضایت بی‌قید و شرط شاکیه، مستنداً به بند ب ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب نامبرده را صادر و اعلام می‌دارد. در خصوص اتهام متهم فوق دایر بر توهین و ضرب بلاثر، با عنایت به کیفرخواست‌های صادره و شرح شکایت شاکیه، اظهارات مطلع، صورتجلسه بازبینی فیلم مضبوط در پرونده، اظهارات متهم که بیان داشته (به دلیل این که تقطیع شده است)، بنابراین مفهوم ادعای وی، تأیید فیلم خواهد بود؛ هرچند ممکن است تقطیع هم شده باشد و شاکیه فقط قسمت مربوط به شکایت خود را ارائه کرده باشد و نیز متهم که بیان داشته است: من فقط جهت دفاع از خودم صرفاً دستم را جلو بردم که به روسری وی خورد. بنابراین وی به حرکت دادن دستش که جزو مفاد بازبینی فیلم می‌باشد، اقرار می‌نماید و دفاع وی بلاوجه می‌باشد. چراکه بسیار فرق است بین جلو بردن دست و سیلی زدن که وفق صورتجلسه‌ی مربوطه مشخص می‌باشد. و نیز با توجه به صورتجلسه‌ی مذکور، اظهارات مطلع و استدلال فوق، بزه‌های توهین و ضرب بلاثر برای دادگاه محرز می‌باشد و توجهاً به دو فقه بزه مختلف مستنداً به مواد ۲- ۱۰- ۱۲- ۱۴- ۱۹- ۲۸- ۱۶۰- ۲۱۱- ۵۶۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ و ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مجازات کاهش جرائم تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و تصویب هیأت نامه‌ی هیأت وزیران مبنی بر تعدیل جزای نقدی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ به جهت ارتکاب به توهین به پرداخت ۱۵۰ میلیون ریال جزای نقدی درجه‌ی ۶ در حق صندوق دولت و به جهت ارتکاب به بزه ضرب بلاثر به پرداخت ۴۵ میلیون ریال جزای نقدی درجه‌ی ۷ در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید. متذکر می‌گردد وفق بند ث ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹ فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراست. لکن به جهت فقد سابقه‌ی کیفری موثر متهم و پیش‌بینی اصلاح وی، مستنداً به ماده‌ی ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اجرای دو سوم مجازات را به مدت یک سال تعلیق می‌نماید و متذکر می‌شود مستنداً به ماده ۵۴ قانون اخیرالذکر، هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم عمدی مندرج در قانون مذکور شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم تعلیقی را نیز صادر خواهد کرد. رأی صادره حضوری و و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدید نظر استان مرکزی می‌باشد).

ماده‌ی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، جرم ممانعت از حق را در صورتی که متعلق به اشخاص خصوصی باشد، قابل گذشت دانسته و اگر مربوط به اشخاص عمومی یا دولت باشد، غیرقابل گذشت می‌داند.

توضیح بالا خود قرینه‌ی روشنی است برای رسیدن به هدف اصلی قانونگذار؛ چراکه اگر جرم ممانعت از حق نسبت به یک مکان دولتی رخ دهد، دولت بزه‌دیده است و نمی‌توان گفت در این مورد، جرم ممانعت از حق، بدون بزه‌دیده می‌باشد. حال آن‌که عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده»

در ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا نمی‌تواند به صورت مطلق تفسیر شود. چون اگر جرم ممانعت از حق نسبت به شخص خصوصی رخ دهد، قابل گذشت است.

نتیجه آن که منظور ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده»، بزه‌دیده‌ی مستقیم یا خاص یا معین آن جرم است. همانطور که خانم مریم ... فرزند محمد اسماعیل در رأی مذکور، از جرم ممانعت از حق آقای سید حسن ... فرزند سید حسین گذشت کرده‌اند.

جرم توهین، موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات نیز یکی از جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا می‌باشد که در صورت داشتن بزه‌دیده قابل گذشت به‌شمار آمده است. توهین در زمره‌ی جرائم علیه حیثیت و اعتبار معنوی اشخاص می‌باشد. و هر رفتاری است که بتواند، به نحوی از انحاء، موجب وهن حیثیت طرف مقابل در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه گردد. (میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۱۶۷)

باید گفت جرم توهین با بودن شخص یا اشخاص که مورد اهانت قرار می‌گیرند، شکل می‌گیرد، و نمی‌توان بدون بزه‌دیده بودن این جرم را تصور کرد. لذا منظور قانونگذار از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» همان بزه‌دیده‌ی مستقیم یا معین است.

نتیجه‌گیری

ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹) از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» نسبت به جرائم قابل گذشت استفاده کرده است. با بررسی‌های حقوقی این نتیجه حاصل شد که منظور قانونگذار از عبارت مذکور در ماده ۱۰۴ ق.م.ا «بزه‌دیده‌ی مستقیم» از جرم است. همچنین با کنکاش در مباحث اصولی عام و مطلق، مطلق بودن عبارت فوق و مطالعه‌ی مفهوم شرط و وصف، مفهوم مخالف نداشتن ماده ۱۰۴ ق.م.ا به دست آمد.

با ذکر چند مورد از آراء قضایی در موضوعات کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، توهین و ممانعت از حق و در نظر داشتن ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تعریف جرائم قابل گذشت، سعی بر آن شد تا مراد اصلی قانونگذار از عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» که همان «بزه‌دیده‌ی مستقیم» است، روشن گردد.

منابع و مراجع

- نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، نشر آموزش و دانش، چاپ هجدهم، ۱۳۹۴.
- معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، موسسه انتشارات دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- ستوده، هدایت‌الله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روان‌شناسی جنایی، نشر آوای نور، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
- شیری، عباس، بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)، فصلنامه‌ی تحقیقات حقوقی، شماره ۸۴.
- برجس، آن ولبرت و چریل رگر و آلبرت آر رابرتس، بزه‌دیده‌شناسی، نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
- نامداری، مظاهر، اصول فقه تطبیقی، انتشارات گروه حقوقی شرح قانون، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- مظفر، محمدرضا، اصول فقه، ترجمه: محسن غرویان، نشر دارالفکر، چاپ دهم، جلد اول، ۱۳۹۰.
- ولائی، عیسی، اصول فقه، نشر دارالفکر، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۹۷.
- عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲.
- رهامی، محسن و علی‌مراد حیدری، شناخت جرائم بدون بزه‌دیده، فصلنامه‌ی مدرّس علوم انسانی، ویژه‌نامه-ی حقوق، زمستان ۱۳۸۳.
- شور، ادوین.م، جنایات بدون قربانی، شومیز، ۱۹۶۵.
- گسن.ر، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۶، شماره ۱۹-۲۰.
- محسن رهامی، علی حسین نجفی ابرندآبادی و علی مراد حیدری، جرایم بدون بزه دیده، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، بایسته‌های فقه جزا، نشر میزان، تهران، ۱۴۱۹ ه.ق.
- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، تهران، نشر میزان، چاپ سی‌وهشت، ۱۳۹۲.
- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی ۳ (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، تهران، نشر میزان، چاپ بیست‌ویک، ۱۳۹۲.
- <https://cudras.ir/1398/11/23/> چالش بزه‌دیده‌شناسی جرائم مواد مخدر.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- آراء قضایی دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان اراک.
- نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، موسسه نور.